# نيايش امام حسين(علیه السلام) در روز عرفه‌

## مشخصات كتاب

نوع: مقاله  
پديدآور: رهبران يزدي، ماشاء الله  
عنوان و شرح مسئوليت: نيايش امام حسين (ع) در روز عرفه [منبع الكترونيكي] / ماشاءالله رهبران يزدي  
توصيف ظاهري: 1 متن الكترونيكي: بايگاني HTML؛ داده هاي الكترونيكي (6 بايگاني: 46.6KB)  
موضوع: دعا  
روز عرفه  
مناجات  
حسين بن علي(ع)، امام سوم

## مقدمه‌

از جمله دعاهاي حضرت سيدالشهدا (ع) دعاي معروف عرفه است كه بنابر آن‌چه‌مرحوم شيخ‌عباس‌قمي در مفاتيح ذكر نموده، بشر و بشير، پسران غالب اسدي نقل‌كرده‌اند كه عصر روز عرفه در عرفات خدمت آن حضرت بوده‌اند. پس حضرت از خيمه‌بيرون آمد و با گروهي از اهل‌بيت و فرزندان و شيعيان با نهايت تذلّل و خشوع بر جانب‌چپ كوه ايستادند و روي خود را مقابل كعبه گردانيدند و دست‌ها را برابر رو، بالا گرفتند؛مانند مسكيني كه طعام طلبد و اين دعا را خواندند.قبل از دعاي آن حضرت چند مسئله درس‌آموز، گنجانيده شده است كه در ذيل به‌آن مي‌پردازيم

## زمان دعا

از روايات فراواني كه در دست است، اين معنا تصديق مي‌شود كه زمان‌ها در اجابت و قبول دعا تأثير فراواني دارند كه بعضي روايات صراحتاً و بعضي به‌طور ضمني به اين معنا اذعان دارند، امّا آن رواياتي كه تصريح دارند بر مداخله زمان‌ها در تأثير دعا:1 ـ عَن‌ْ عَبدُاللهِ بن سِنان‌ْ قال: «سَئلْت‌ُ أَباعبدالله (ع) عن السّاعة‌ِ الّتي يستَجاب‌ُ فيها الدُّعا يَوْم‌َ الجُمعة؟ قال‌َ: ما بين فراغ الإمام من الخطبة‌ِ اِلي ان تَسْوِي الصفوف،و ساعة آخر النَّهار الي غروب الشمس، وكانت فاطمة تدعو في ذلك الوقت».در اين حديث راوي از امام‌صادق (ع) از زماني كه در روز جمعه دعا مستجاب مي‌شود، سؤال مي‌كند و امام به دو زمان در روز جمعه اشاره مي‌فرمايند؛ اول، زماني‌كه خطيب و امام جمعه خطبه‌ها را تمام كرده و آماده براي اقامه نمازجمعه مي‌شود، در آن چند لحظه، و ديگر ساعت آخر روز جمعه تا هنگام غروب خورشيد كه حضرت‌زهرا (س) هم در آن وقت دعا مي‌فرمودند. و يكي از دعاهاي معروف يعني دعاي سمات هم كه اكثر علماي سلف، بنابر قول محدّث قمي بر آن مداومت داشته‌اند، در همين زمان است.2 ـ عَن‌ْ أبي بصير عن أبي جعفر (ع): «إن‌ّ الله تعالي ليأمر ملكاً فينادي كل ليلة جمعه من فوق عرشه من اوّل اللّيل إلي آخره: ألا عبدٍ مؤمن يدعوني لاخرته و دنياه قبل طلوع الفجر فاجيبه؟ ألا عبدٍ مؤمن يتوب إلي‌ّ من ذنوبه قبل طلوع الفجر فاتوب اليه؟ الاعبد مؤمن...؛ابوبصير از امام‌باقر (ع) روايت مي‌كند كه آن حضرت فرمودند خداي تبارك و تعالي در هر شب جمعه ملكي را امر مي‌كند كه به مردم از بالاي عرش ندا دهد كه آيا بنده مؤمني هست كه مرا بخواند براي كاري از امور دنيا و آخرتش تا قبل از طلوع فجر ازگناهش درگذرم».و در دنباله حديث همين‌طور سوال‌ها مي‌شود ولي با محدوديت زمان تا هنگام طلوع فجر.و اما بعضي روايات به‌طور ضمني دلالت بر تأثير دعا در زمان خاص دارند و آن رواياتي است كه دعايي را براي وقت مخصوصي ذكر كرده‌اند: در عيد قربان اين دعا را بخوان، يا در شب جمعه دعاي كميل بخوانيد، يا در شب‌هاي ماه رمضان دعاي افتتاح بخوانيد، يا در دهه آخر ماه رمضان مي‌گويد، در شب بيستم اين دعا را بخوان و شب‌بيست و يكم دعاي ديگر الي آخر.

## دعاي دسته جمعي و گروهي‌

در اين‌جا امام‌حسين (ع) با گروهي از اهل‌بيت و فرزندان خود دست به دعا برداشتند، درصورتي‌كه مانعي نبود كه خود آن حضرت به تنهايي سراغ دعا بروند. پس معلوم مي‌شود در دعاي دسته‌جمعي اميدي بيشتر براي استجابت است و رواياتي هم دراين زمينه داريم كه به دو روايت اشاره مي‌شود.1 ـ قال أبوعبدالله (ع): «ما من رهط أربعين رجلاً إجتمعوا فدعوا الله عزَّوجل‌ّ في‌أمرٍ إلاّ إستجاب الله لهم؛ امام‌صادق (ع) مي‌فرمايد: خداوند دعاي چهل نفر را حتماً مستجاب مي‌گرداند».2 ـ عن أبي عبدالله (ع) قال: «كان أبي (ع) إذا حزنه أمرٌ جمع النّساء و الصّبيان ثم‌ّدعا وأمنوا؛ از امام‌صادق (ع) نقل شده است كه پدرم هرگاه چيزي او را محزون مي‌ساخت، زن و بچه‌ها را جمع مي‌فرمود و سپس دعا مي‌فرمود و آنان آمين مي‌گفتند».

## دعا با حال خشوع و تذلل‌

خداوندمتعال مي‌فرمايد: (اُدعوا ربّكم تضرّعاً وحفْيه إنَّه لا يحب‌ّ المعتدين).در اين آيه مباركه، خداوند ما را امر فرموده كه در حال تضرّع و ترس خداي خود را بخوانيم و حضرت اباعبدالله در روز عرفه، با حالت خشوع با اهل‌بيت و شيعيان دست به دعا برداشتند و در حديث از پيامبراكرم (ص) نقل شده كه فرمودند: «اغتنموا الدعاء عندالرقّة، فإنّها رحمة؛ دعا را غنيمت شمريد، در هنگامي‌كه رقت قلب داريد كه آن رقت‌رحمت است». يعني در هنگام رقت قلب دعا بيشتر مستجاب مي‌شود.و ابوبصير از امام‌صادق (ع) روايت كرده كه: «إذا برق أَحَدكم فليدع فإن‌َّ القلب لايرق حتي يخلص؛ هرگاه رقّت‌قلب پيدا كرديد پس دعا كنيد چون قلب رقّت پيدا نمي‌كند؛مگر وقتي كه خالص شود».

## مكان دعا

### اشاره

بي‌شك، مكان‌ها در اجابت دعا تأثير فراواني دارند كه بهترين مكان‌ها براي دعا مساجد و بالاترين مساجد، مسجدالحرام و كنار كعبه و غير از مساجد زير گنبد حائر حسيني در كنار ضريح حضرت اباعبدالله و هم‌چنين صحراي عرفات كه از مكان‌هاي مقدس است و دعا در آن به اجابت مي‌رسد و پيامبران الهي در آن‌جا به استغاثه نزد پروردگار پرداختند. بنابر آن‌چه از تفسير البرهان نقل شده كه حضرت آدم (ع) به راهنمايي و دستور جبرئيل (ع) در روز عرفه، وقوف در عرفات نمود و در هنگام عصر اين كلمات را بر زبان جاري مي‌ساخت:«سبحانك اللهم وبحمدك لا اله الاّ انت عملت‌ُ سوء و ظلمت نفسي و اعترفت بذنبي اغفرلي إنّك انت الغفور الرّحيم». وتا به هنگام غروب آفتاب هم‌چنان دستش رو به آسمان بلند بود و با تضرّع اشك مي‌ريخت.از جمله پيامبران كه در عرفات وقوف داشت، حضرت ابراهيم (ع) بود كه پيك وحي الهي، مناسك حج را به او آموخت و حضرت ابراهيم (ع) در برابر مي‌فرمود: «عَرفْت‌ُ عرفْت‌ُ؛ شناختم، شناختم.»و نيز دامنه كوه عرفات، در صدر اسلام كلاس صحرايي پيامبر بزرگوار اسلام (ص) بود و بنا بر گفته مفسّران، آخرين سوره قرآن در صحراي عرفات بر پيغمبراكرم (ص) نازل‌شد.دعاي عرفه: در اين دعا كه در عصر روز عرفه تا هنگام غروب آفتاب، از حلقوم‌بهترين خلايق در بهترين زمان‌ها و مكان‌ها و در بهترين حالات خارج شد، مجموعه‌اي‌از معارف و حقايق و فشرده‌اي از ايمان و اقرار و گوشه‌اي از برشماري نعمت‌هاي الهي وقصور بندگان و درخواست‌ها و نيازهاي بندگان و غنا و الطاف بي‌پايان الهي بود كه بيشتراز پنجاه مطلب كلي در آن گنجانيده شده، بعلاوه شامل ده مرتبه حمد و سپاس الهي وهشت‌بار درود و صلوات بر پيامبراكرم (ص) و 32 مرتبه خطاب به «اللّهم ويا الهي» و 16مرتبه «سبحانك» و 15 مرتبه «لااله‌الاّانت» است.اما اهم‌ّ عنوان‌هايي كه مي‌شود براي اين دعا وضع نمود يا مسائلي كه حضرت‌اباعبدالله الحسين (ع) در اين دعا بدان اشاره كرده‌اند و اين دعا را امتيازي ديگر بخشيده،بدين قرار است:

## اشاره به توحيد و صفات باري تعالي‌

حضرت اباعبدالله (ع) دعاي عرفه را با حمد خداوند بدين صورت شروع مي‌كند:«الحمدللهِ الَّذي ليس‌َ لقضائه‌ِ دافع‌ٌ ولا لعطائه‌ِ مانِع‌ٌ ولا كصنعِه‌ِ صنع‌ُ صانع‌ٍ وهو الجواد الواسِع...؛ حمد و ستايش مخصوص خداوندي است كه از قضاي او براي كسي سرپيچي‌نيست و مانعي نيست كه بتواند او را از عطا منع كند و صنعت هيچ صنعت‌گري به پاي صنعت او نمي‌رسد و او بخشنده بي‌پايان است.»آن‌چه در اين قسم بايد بدان اشاره شود شروع دعاي عرفه، با حمد و ثناي الهي است كه اباعبدالله بدان اشاره كرده و امام‌صادق (ع) ثناي بر خداي متعال و مدح او وصلوات بر پيامبراكرم (ص) را از آداب دعا برمي‌شمارد:قال ابوعبدالله (ع): «اِيّاكم إذا اَرادَ احدكم ان يَسئل‌َ من ربِّه‌ِ شيئاً من حوائج الدنيا و الاخرة حتّي يبدا بالثّناء علي الله عزَّوجل‌َّ والمدح له والصّلاة علي النبي‌ّ(ص) ثم يسئل‌الله حوائجه؛ امام‌صادق (ع) مي‌فرمايد: بر شما باد هرگاه يكي از شما اراده دارد چيزي ازحوائج دنيا يا آخرت را، به ثنا از خداوند ابتدا كند و حمد خداي‌متعال و صلوات برپيامبر اكرم (ص) و سپس از خداوند حوائج خود را بخواهد».

## شهادت به ربوبيت و مراتب خلقت‌

«فلا اله غيره ولا شي يعدِلُه‌ُ وليس كمثله شيي وهو السّميع البصير اللّطيف و هو علي كل‌ّ شيي‌ٍ قدير ـ اللّهم‌ّ انّي ارغب إليك وأشهد بالرّبوبيّة لك مقرّاً بأنّك ربّي واَن‌ّ اِليك‌مردّي إبْتَدأتَني بِنِعْمَتِك‌َ قَبْل‌َ اَن‌ْ اَكُون‌َ شيئاً مَذْكُوراً وخَلَقتَني مِن‌َ التّراب‌ِ ثُم‌ّ اسْكَنتني الاصلاب؛... خدايي غير او نيست و چيزي با خداوند معادل و مساوي نيست و مثل و مانندي ندارد و او شنوا و بيناست و لطيف و آگاه است و بر هر كاري قادر. خداوندا، من روي به تو آورده‌ام و شهادت به ربوبيت تو مي‌دهم و اقرار مي‌كنم كه تو پروردگار مني و اين‌كه بازگشتم به سوي توست، مرا با نعمتت آغاز كردي، قبل از آن‌كه چيزي ذكركردني باشم و مرا از خاك خلق نمودي و سپس مرا در صلب‌ها قرار دادي و...»

## هدايت از آن خداست‌

در اين قسمت از دعا اشاره به الطاف الهي نسبت به خويش و هدايت الهي است كه آن حضرت مي‌فرمايد:«ولُطفِك لي واِحسانِك‌َ اِلي‌َّ في دولَة‌ِ أئمّة الكفرِ الّذين‌َ نَقَضُوا عهدك وكذَّبوا رسلك‌لكنّك اخرجتني رأفة‌ً منك وتحنّناً علي‌َّ للّذي سبق لي من الهدي الّذي له يسَّرتني و فيه انشأتَني؛ خدايا، لطف و احسان تو به من در دولت طاغوت و كفر، آن كساني‌كه نقض عهدبا تو كرده‌اند و تكذيب پيامبرانت نموده‌اند، آن‌كه تو مرا به رأفت خود از آن دسته خارج ساخته‌اي و چشم مرا به‌سوي هدايت گشودي و راه هدايت را برايم آسان نمودي و مرا در هدايت پرورش دادي.

## شناخت خويش و مراتب رحم‌

«وَمِن‌ْ قبل‌ِ ذلك‌َ رؤفْت‌َ بي بجميل صنعك وسوابِغ نعمك‌َ فابتدعت خلقي من منّي يمني واَسْكنْتني في ظلمات‌ٍ ثلاث‌ٍ بين لحم‌ٍ ودم‌ٍ وجلدٍ لم نشهدني خلقي ولم تجعل إلي‌َّ شيئاً من امري؛ و قبل از هدايت مرا با صنع زيبايت مورد رأفت و نعمت‌هاي بي‌كرانت قراردادي، پس آفرينشم را از آبي جهنده پديد آوردي و مرا در ظلمت‌هاي سه‌گانه قرار دادي،ميان گوشت و خون و پوست و مرا شاهد آفرينش خود نگردانيدي و هيچ‌يك از امورم را به خودم واگذار نكردي.»

## اشاره به الطاف خداوند پس از تولد

«ثم‌َّ اخرجتني للّذي سبق لي من الهدي الي الدّنيا تامّا سويّا و حفظتني في المهد طفلاً صبيّاً ورزقتني من الغذاء لبناً مريّاً وعطفت علي‌َّ قلوب الحواضن وكفَّلتني الامّهات‌الرّواحم وكلاتني من طوارق الجان‌ّ وسلَّمتني من الزّيادة والنّقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن؛ سپس مرا براي آن‌چه در پيش قرار داده‌اي، از هدايت به دنيا آوردي، در حالي‌كه موجودي كامل و سالم مرا خلق نمودي و مرا در گهواره هنگامي كه طفل كوچكي بودم،حفظ نمودي و مرا از شير شيرين و گوارا تغذيه نمودي و دل‌هاي پرستاران را به من‌مهربان ساختي و با مادران رحم‌ها، مرا فروغ بخشيدي و از گزندهاي آشكار و پنهان حفظ‌نمودي و مرا از زيادي و نقص خلقتم ايمن داشتي. پس بزرگي سزاوار توست اي خداي كه‌نسبت به بندگان بخشنده و مهربان هستي».

## اشاره به اكمال فطرت و اتمام نعمت‌

«حتّي اذا استهلَلْت‌ُ ناطقاً بالكلام اتممت علي‌َّ سوابغ الانعام وربَّيتني زائداً في كل‌ّ عام حتّي اِذا اكملت فطرتي...؛ تا اين‌كه مرا سخن آموختي و نعمت‌هاي بي‌پايانت را برمن تمام كردي و سال به سال بر رشد و تربيتم افزودي و فطرت من را كامل ساختي...»

## اشاره به الهام معرفت از طرف حق و اتمام حجت‌

«اَوْحَبْت‌َ علي‌َّ حجتّك يأن الهمتني معرفتك وروَّعْتَني بعجايب‌ِ حكمتك‌َ و اَيْقظْتَني لِما ذَرَأت‌َ في سمائك وأرضك من بدايع خلقك، ونبَّهتَني لشُكرك‌َ وذكرِك؛ مي‌فرمايد:حجت را بر من تمام كردي كه معرفت خود را به من الهام فرمودي و عجايب حكمت را در ضميرم انداختي و مرا بيدار و آگاه ساختي از اسرار آفرينش در آسمان و زمين از خلقت، و بيدارم كردي تا شكر تو گويم و ياد تو باشم.»

## واجب كردن طاعت بر بنده‌

«واوجبت‌َ علي‌َّ طاعتك وعبادتك‌َ و فهمتني ما جائت به رسلك؛ طاعت و عبادت خود را بر من واجب ساختي و آن‌چه پيامبران آوردند به من آموختي».

## اشاره به نعمت‌هاي ظاهري‌

«ثم‌ّ إذْ خلقتني من خير الثَّري لم ترض لي يا الهي نعمة‌ً دون اخري و رزقتني من‌انواع المعاش وصنوف الرياس بمنّك العظيم الاعظم علي‌َّ وإحسانك القديم؛ سپس چون مرا از بهترين خاك آفريدي، راضي نشدي كه نعمتي را از من دريغ نمايي و مرا از انواع وسايل زندگي و از لذت‌هاي مختلف بهره‌مند ساختي، با لطف و احسان فراوان و مرحمت بي‌كرانت بر من و احسان هميشگي است».

## واكنش خداوند به اعمال بنده‌

«فإن‌ْ دعوتك أجبتني وإن سئلتك أعطيتني وإن‌ْ اطعتك شكرتني...؛ اگر به درگاهت دست به دعا برداشتم اجابتم كردي و اگر از تو چيزي خواستم عطا فرمودي و اگر تو را اطاعت كردم از من تقدير كردي».

## خدا را به بزرگي ياد كردن‌

«فسبحانك سبحانك من عبدي‌ٍ معيدٍ حميدٍ تقدست اسمائك...؛ منزه است خدا،منزه است آن‌كه آغاز گردد، برگرداننده ستوده است و بزرگوار نام‌هايت مقدس است».

## شهادت به ايمان حقيقي‌

«وانا اشهد يا الهي بحقيقة إيماني و عقد عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي و...؛ خدايا، من به حقيقت ايمانم شهادت مي‌دهم و هم‌چنين به تصميمات متقن خود و به توحيد صريح و خالصم و...»

## برشمردن نعمت‌هاي بدني و لطايف آن‌

«وباطن مكنون ضميري و علائق مجاري نور بصري و اسارير صفحه جبيني و خرق مسارب نفسي و...؛ و به باطن ناديدني نهادم و پيوست‌هاي جريان نور ديده‌ام و خطوط ترسيم شده بر پيشانيم و روزنه‌هاي تنفسم و...»

## ناتواني در بجا آوردن شكر نعمت‌

-«ان لو حاولت‌ُ واجتهدت‌ُ مدي الاعصار والاحقاب لو عمرتُها ان أؤَدّي شكر واحدة‌ٍ من أنعمك مَا استطعت ذلك إلاّ بمنّك الموجب علي‌َّ به شكرك أبداً جديداً...؛ گواهي مي‌دهم اگر در طول قرون و اعصار زنده بمانم و بكوشم تا شكر يكي از نعمت‌هاي تو را به جاي آورم نتوانم مگر آن‌كه بازهم توفيق از طرف تو به من رسد كه آن خود مزيد نعمت و مستوجب شكري ديگر است.

## استدلال به آيات الهي بر بيكران بودن نعمت‌ها

«انت المخبر في كتابك الناطق والنَّبا الصّادق: (وإن‌ْ تعدّوا نعمة الله لا تحصوها) صدق كتابك اللهم و انبائك؛ در كتاب گويايت و خبر راست خود فرمودي: اگر بخواهيد نعمت‌هاي الهي را برشمريد، نتوانيد. من گواهي مي‌دهم كه كتاب و گزارشت راست است...»

## شهادت به وحدانيت خدا با تمسك به آيات قرآن‌

«الحمدللهِ الّذي لم يتّخذ ولداً فيكون موروثاً ولم يكن له شريك‌ٌ في مُلكه و... لوكان فيهما آلهة‌ٌ اِلاّ الله لفسدتا و...؛ حمد و ستايش خدايي را كه فرزندي ندارد تا ميراث براو باشد و شريك ندارد در ملك و حكومتش... اگر در آسمان و زمين،خداياني به جز خداي يگانه بودند، در زمين و آسمان فساد و نابودي پيش مي‌آمد».

## درخواست‌هاي والاي روحي‌

«اللّهم‌ّ اجعلني اخشاك كانّي أراك وأسعدني بتقواك و لا تشقني بمعصيتك و...؛خدايا چنان كن كه فقط از تو بيم داشته باشم، آن‌چنان كه گويا تو را مي‌بينم و مرا با تقوايت با سعادت كن و براي معصيت خودت مرا به شقاوت دچار مساز...»

## حمد و سپاس به جهت تربيتهاي خدايي‌

«اللّهم‌ّ لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعاً بصيراً ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني خلقاً سويّاً رحمة‌ً بي وقد كنت عن خلقي غنياً...؛ خدايا حمد مخصوص توست،آن‌چنان كه مرا آفريدي، پس قرار دادي مرا شنوا و بينا، و حمد مخصوص توست كه مرا آفريدي و خلقم را نيكو بياراستي براي لطفي كه به من داشتي، در حالي‌كه از خلقت من‌بي‌نياز بودي».

## احتياجات و درخواست‌هاي تربيتي از خدا

«واعنّي علي بوائق الدهور وصروف اللّيالي والايّام ونجّني من اهوال الدنيا و كربات الاخرة...؛ خدايا مرا بر مشكلات روزگار و كشمكش شب‌ها و روزها ياري فرما و مرا از مشكلات اين جهان و سختي‌هاي آن جهان نجات بده».

## شكايت‌ها

«الهي الي من تكلني؟ إلي قريب‌ٍ فيقطعني ام إلي بعيدٍ فيتجهَّمني ام الي...؛ خدايا!مرا به كه وامي‌گذاري؟ آيا به خويشاوندان كه پيوند خويشاوندي را خواهند گسست؟ يا به بيگانه كه بر من برآشفتند؟»

## درخواست راحتي هنگام مرگ‌

«فاسئلك يارب‌ِّ بنور وجهك‌َ الّذي اشرقت له الارض والسّموات و كشفت به الظلمات وصَلَح‌َ به امر الاوّلين والاخرين ان لا تَميتَني علي غضبك ولا تنزل بي سخطك...؛ از تو درخواست مي‌كنم به نورت كه با آن آسمان و زمين را روشن ساختي و پرده از تاريكي‌ها برداشتي و با آن كار اوّلين و آخرين را اصلاح مي‌گرداند كه مرا به حال خشم و غضبت و نميراني و غضب خود را بر من فرود مياور.»

## خداي را به اسامي مختلف خواندن‌

«لا إله إلاّ انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الّذي احللته البركة وجعلته للنّاس أمْناً يا من عفا عن عظيم الذّنوب بحلمه يا من اسبع النّعماء بفضله...؛ نيست خدايي به جز تو پروردگار شهر حرام (مكه) و مشعرالحرام خانه‌اي كه آن را با بركت قرار دادي، و آن را براي خلايق امن قرار دادي اي كسي‌كه مي‌بخشد از بسياري از گناهان به حلمش. اي كسي‌كه نعمت‌هايت را با فضل خويش انعام مي‌فرمايي.»

## اشاره به روز قيامت و منزل قبر

«يا عُدَّتي في شدَّتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي في كربتي يا وليي في نعمتي؛اي پشتوانه روز سختي‌ام، اي مونس تنهايي‌ام، اي فريادرس سختي‌هايم، اي ولي‌نعمت‌من.»

## اقرار به خدا و پيامبران و كتب آنان و ملائكه مقربان‌

«يا إلهي واِله‌َ آبائي ابراهيم واسماعيل واسحق و يعقوب و رب‌ّ جبرئيل وميكائيل‌واسرافيل ورب‌ّ محمَّدٍ خاتم النبيّين واله المنتجبين منزل التوراة والإنجيل و الزَّبور و الفرقان...؛ اي خداي من و اي خداي پدران من ابراهيم و اسماعيل و اسحق و يعقوب واي خداي جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و خداي محمد(ص) خاتم پيامبران و فرزندان برگزيده‌اش، اي فروفرستنده تورات و انجيل و زبور و قرآن.»

## تو پناهگاه مني‌

«انت‌َ كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق بي الارض‌ُ برحبها...؛ تو پناهگاه مني وقتي كه راه‌ها بر من با همه وسعت صعب و دشوار شوند و وسعت زمين بر من تنگ شود.»

## اشاره به رفعت شأن خدا

«يا من خص‌َّ نفسه‌ُ بالسُّمُوِّ والرفعة فاوْليائُه‌ُ بِعِزِّه‌ِ يَعْتَزّون‌َ يا من جعلت له الملوك نير المذلّة علي اعناقهم؛ اي كسي‌كه بزرگي و رفعت را ويژه خود قرار دادي و دوستانش درسايه عزت او عزيزند، اي كسي‌كه بر گردن پادشاهان، طوق مذلّت افكندي».

## اشاره به علم خدا

«يَعْلَم‌ُ خائنة الاعْيُن‌ِ وَما تُخفي الصُّدور وغَيْب‌َ ما تأتي بِه‌ِ الازْمَنة‌ُ و الدُّهُور...؛ اي كه نگاه پنهاني را و آن‌چه در سينه‌ها مخفي است و آينده و جريان زمان و دوران را مي‌داني».

## اشاره به لطف الهي به پيامبران: (حضرت يوسف)

«يا مُقَيّض‌َ الرَّكْب‌ِ لِيُوسُف‌َ فِي الْبَلَدِ الفَقْرِ ومُخرجَه‌ُ مِن‌َ الجُب‌ِّ؛ اي كه كاروان مصر را در صحرا نگه داشتي تا يوسف را از چاه بيرون آورند».

## لطف خدا به حضرت ايوب‌

«يا كاشف الضُّرّ والْبَلْوي عَن‌ْ اَيُّوب‌َ؛ اي برطرف‌كننده رنج و بلوي از حضرت ايّوب.

## لطف خدا به حضرت ابراهيم‌

«وَيُمْسِك‌َ يَدَي‌ْ اِبْراهيم‌َ عَن‌ْ ذِبْح‌ِ اِبْنِه‌ِ بَعْدَ كبر سنّه‌ِ وفَناءِ عُمْرِه‌ِ؛ اي بازدارنده دست‌هاي ابراهيم از ذبح فرزندش پس از آن‌كه او را در سن پيري و سپري‌شدن عمر داراي اولاد كردي).

## لطف الهي به حضرت زكريا

«يا مَن‌ِ اسْتَجاب‌َ لِزَكَريّا فَوَهَب‌َ لَه‌ُ يَحْيي وَلَم‌ْ يَدَعه‌ُ فَرْداً وحيداً؛ اي كسي كه دعاي زكريا را به اجابت رسانيدي و به او فرزندي (بنام) يحيي دادي و او را تنها و بي‌كس قرارندادي.»

## لطف الهي به حضرت يونس‌

«يا مَن‌ْ اَخْرَج‌َ يُونُس‌َ مِن‌ْ بَطْن‌ِ الحُوت‌ِ؛ اي كسي‌كه يونس را از شكم ماهي بيرون آوردي.

## لطف الهي به حضرت موسي و بني اسرائيل‌

«يا مَن‌ْ فَلَق‌َ الْبَحْرَ لِبَنِي اسرائيل فَاَنجاهُم؛ اي كه دريا را براي بني اسرائيل و حضرت موسي شكافتي و آنان را نجات دادي».

## اشاره به نعمت باد

«يا مَن‌ْ اَرْسَل‌َ الرّياح‌َ مُبَشّرات‌ٍ بَيْن‌َ يَدَي رَحْمَتِه‌ِ؛ اي كسي‌كه بادها را پيام‌آور و بشارت‌دهنده باران رحمت فرستادي.»

## اشاره به لطف حق نسبت به گناهكاران‌

«يا مَن‌ْ لَم‌ْ يَعْجَل‌ْ عَلي مَن‌ْ عَصاه‌ُ مِن‌ْ خَلْقِه‌ِ يا مَن‌ِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَة‌َ مِن‌ْ بَعْدِ طُول‌ِ الجُحودِ و...؛ اي كه در مجازات بندگان گنه‌كارش عجله نمي‌كند. اي كسي‌كه جادوگران راپس از زمان طولاني جحود و عناد نجات دادي.»

## برشمردن نام و صفات خداوند

«يا اَللهُ يا اللهُ يا بَدي‌ءُ بدء لَك‌َ يا دائماً لا نَفادَ لَك‌َ يا حَيّاً حين‌َ لا حَي‌َّ...؛ اي خدا، اي‌خدا، اي آفريننده، ـ اي خالقي كه مانند نداري؛ اي كسي كه هميشه هستي و فنا براي تونيست، اي زنده ازلي كه وقتي تو زنده بودي، هيچ‌كس نبود.»

## برآورنده نيازها

«يا مَن‌ْ دَعَوْتُه‌ُ مَريضاً فَشَفاني وَعُرْياناً فَكَساني وجائعاً فَاَشْبعَني و...؛ اي كسي كه در حال مريضي خواندم او را و مرا شفا داد و در عرياني او را خواندم، پوشانيدم؛ در گرسنگي خواندمش، سيرم ساخت...»

## اشاره به نعمت‌ها و الطاف الهي خويش‌

«يا مَوْلاي‌َ اَنْت‌َ الّذي مَنَنت‌َ، اَنْت‌َ الَّذي اَنْعَمْت‌َ، اَنْت‌َ الذَّي اَحْسَنْت‌َ، انت الّذي اَجْمَلْت‌َ...؛ اي خداي من تو آن هستي كه بخشودي، تو كسي هستي كه نعمت دادي، توكسي هستي كه نيكويي كردي، تو كسي هستي كه نيك و زيبا ساختي.»

## اعتراف به گناهان‌

«ثُم‌َّ أنا يا إلهي اَلْمُعْتَرِف‌ُ بِذُنُوبي فَاغْفِرها لي أنَا الَّذي اَسَئت‌ُ اَنا الّذي اَخْطَئْت‌ُ اَنَا الَّذي هَمَمْت‌ُ اَنَا الَّذي جَهِلْت‌ُ اَنَا الَّذي غَفَلْت‌ُ اَنَا الَّذي سَهَوْت‌ُ...؛ اين من هستم كه با اعتراف به گناه خويش پوزش مي‌طلبم، بر من ببخش، من هستم كه بد كردم، من هستم كه خطا كردم، من هستم كه در گناه اصرار ورزيدم، من هستم كه جهالت كردم، من هستم كه غفلت كردم، من هستم كه سهو كردم».

## اعتراف به نافرماني در مقابل اوامر الهي‌

«اِلهي اَمَرتَني فَعَصيتك‌َ وَنَهَيْتَني فَارْتَكَبْت‌ُ نَهَيْك‌َ فَاَصْبَحْت‌ُ لا ذا بَرائَة‌ٍ لي فَاعْتَذِرَ...؛ خدايا مرا به نيكي امر كردي پس نافرماني كردم و از بدي‌ها نهي كردي و من مرتكب شدم، اكنون بهانه‌اي ندارم تا از آن‌چه از دست رفته معذرت بخواهم».

## تسبيح و تهليل‌

بيشترين تسبيح و تهليل در دعاي عرفه اينجاست كه شروع آن با ذكر يونسيه است:«لا اِله‌َ اِلاّ اَنْت‌َ سُبْحانَك‌َ اِنّي كُنْت‌ُ مِن‌َ الظّالِمين لا اِله‌َ اِلاّ اَنْت‌َ سُبْحانَك‌َ اِنّي كُنْت‌ُمِن‌َ المُسْتَغْفِرين‌َ لا اِله‌َ اِلاّ اَنْت‌َ سُبْحانَك‌َ إنّي كُنْت‌ُ مِن‌َ الْمُوَحِدين‌َ لا اِله‌َ اِلاّ اَنْت‌َ سُبْحانَك‌َ اِنّي كُنْت‌ُ مِن‌َ الْخائِفين‌َ...؛ نيست خدايي به جز تو منزّه هستي و من از ظالمان هستم.نسبت به خدايي به جز تو و منزّه و پاكي و من از كساني هستم كه طلب مغفرت مي‌كنم،نيست خدايي به جز تو و منزّهي و من از موحّدان هستم، نيست خدايي به جز تو و منزّهي و من از ترسيدگان هستم.»

## ثناي خداوند

«اللّهُم‌ّ هذا ثَنائي عَلَيك مُمَجِّداً واِخْلاصي لِذِكْرِك‌َ مُوَحّداً وَإقْراري بِالائِك‌َ مُعَدِّداً...؛ خدا يا اين است ثناي من در پيش‌گاه مجد و عظمت تو و اخلاص من در ذكر توحيد تو و اقرار من به مقدار معدود از نعمت‌هايت».

## درخواست اتمام نعمت‌

«وأتْمِم‌ْ عَلَيْنا نِعَمَك‌َ وَاَسْعِدنا بِطاعَتِك‌َ سُبْحانَك‌َ لا اِله‌َ اِلاّ اَنْت؛ خدايا نعمتت را بر ما تمام كن و سعادت طاعت را به ما ارزاني فرما. منزّه هستي تو. نيست خدايي به جز تو».

## برطرف كننده سختي‌ها و مشكلات و عطا كننده خيرات‌

«اَللّهُم‌َّ اِنَّك‌َ تُجيب‌ُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِف‌ُ السُّوء وتُغيث‌ُ الْمَكْروُب‌ْ وتَشْفِي السَّقيم‌َ وتُغْنِي الْفَقير و...؛ خدايا، تو درماندگان را اجابت كني و بدي‌ها را برطرف مي‌كني و به فرياد بلا ديده‌ها مي‌رسي و مريض را شفا مي‌دهي و فقير را غني مي‌بخشي».

## درود بر پيامبر و درخواست بهترين عطاها

«اللّهُم‌َّ صَل‌ِّ عَلي مُحَمَّدٍ وَآل‌ِ مُحَمَّد وَاَعْطِني في هذِه‌ِ العَشَيِّة‌ِ اَفْضَل‌َ ما اَعْطَيْت‌َ وَانَلْت‌َ اَحَداً مِن‌ْ عِبادِك‌َ؛ بر محمد و خاندان او درود فرست و در اين شام‌گاه از بهترين نعمت‌هايي كه به بندگان واقعيت عطا مي‌كني به من عطا كن».

## گسترش رحمت خداوند

«اَللّهُم‌َّ إنّك‌َ اَقْرَب‌ُ مَن‌ْ دُعِي‌َ وَاَسْرَع‌ُ مَن‌ْ اَجاب‌َ وَاكْرَم‌ُ مَن‌ْ عَفي وَ اَوْسَع‌ُ مَن‌ْ اَعْطي‌وَاَسْمَع‌ُ مَن‌ْ سُئِل يا رَحْمن‌َ الدُّنْيا والاخرة وَرَحيمَهُما...!؛ خدايا تو نزديك‌ترين كسي هستي كه از او چيزي مي‌خواهند و سريع‌ترين هستي در اجابت و كريم‌ترين از جهت گذشت و از هر بخشنده‌اي و از هر بخشنده‌اي گسترده‌تر و از هر پذيرنده‌اي شنواتر، اي بخشايشگر و مهربان دنيا و آخرت.»

## گسترش علم و قدرت و رأفت خدا

«اَللّهُم‌َّ يا مَن‌ْ مَلَك‌َ فَقَدَرَ وَقَدَرَ فَقَهَرَ وعُصِي‌َ فَسَتَرُو... وَ وَسِع‌َ الْمُسْتَقلين‌َ رَأفَة‌ً وَرَحْمَة‌ًوَحِلْماً؛ خداوندا! اي كسي‌كه فرمان‌روا و توانا و قادر و قاهر هستي، پرده‌پوش گناه بندگان...و رأفت و مهرباني و بردباريت همه را فراگرفته است.»

## توسل به پيامبر نزد خدا

«اَللّهُم‌َّ إنّا نَتَوَجَّه‌ُ اِلَيك‌َ في هذِه‌ِ العَشيَّة‌ِ الّتي شَرَّفْتَها وَعَظَّمْتَها بِمُحَمَّدٍ نَبِيَّك‌َ وَ رَسُولِك‌َ وَخِيَرَتِك‌َ مِن‌ْ خَلْقِك‌َ...؛ خدايا در اين شام‌گاه به‌سوي تو رو آورديم، شامگاهي كه آن را شرافت و عظمت بخشيدي به وسيله محمّد(ص) پيامبرت و رسولت و بهترين از خلائقت».

## دعاي رستگاري‌

«اَللّهُم‌َّ اَقْبِلْنا فِي هذَا الْوَقْت‌ِ مُخْجِين‌َ مُفْلِحين‌َ...؛ خدايا ما را در اين وقت پيروز و رستگار فرما و...».

## دعا براي قبولي حج‌

«إلَيْك‌َ اَقْبَلْنا مُوقِنين‌َ وَلِبَيْتِك‌َ الْحَرام‌ِ آتين‌َ قاصِدين‌َ فَاَعِنّا عَلي مَناسِكَنا وَاَكْمِل‌ْ لَناحَجَّنا...؛ خدا يا از روي اخلاص به تو روي آورده‌ايم و به سوي خانه ات آمديم پس ما را برانجام مناسك حجمان ياري كن و حج ما را كامل گردان.»

## درخواست‌هاي شب عيد

«اَللّهُم‌َّ فَاَعْطِنا في هذِه‌ِ العَشيّة‌ِ ما سئَلْناك‌َ واكْفِنا ما استكْفَيناك‌َ... وَاَعْنِق‌ْ رَقَبتي مِن‌َ النّار اَللّهُم‌َّ لا تَمْكُرْ بي؛ خدايا آن‌چه در اين شام‌گاه از تو خواسته‌ايم به ما عطا فرما و آن‌چه انجامش را از تو خواسته‌ايم كفايت فرما...»«ولا تَستدرجني ولا تَخْدَعْني وَأدر أعَنّي شَرَّ فَسَقِة‌ِ الْجِن‌َّ والإنس‌ْ؛ مرا از آتش‌رهايي بخش و با من مكر مكن و مرا غير شاكر قرار مده و رسوا مكن و از من شر فاسقان از جن و انس را دور كن...».

## پايان دعا

در آخرين جمله بالا، امام‌حسين با چشماني پر از اشك رو به آسمان كرد و با صداي بلند اين‌چنين به دعاي خود پايان داد:«يا اسْمَع‌َ السّامِعين يا ابْصَرَ النّاظِرين‌َ وَيا اسْرَع‌َ الحاسِبين‌َ... يارب يارب يارب.»اين بود چكيده‌اي از دعاي عارفانه حضرت سيدالشهدا (ع) در روز عرفه كه در آن دنيايي از معارف است كه ده‌ها كتاب درباره آن به رشته تحرير درمي‌آيد در آن هم شهادت به وحدانيت خداوند و رسالت خاتم‌الانبيا محمد(ص) و اعتقاد به روز قيامت، به چشم مي‌خورد.آن‌چه از حمد و ستايش پروردگار را لايق است از زبان عارف‌ترين اهل زمان است كه سرانجام در پاي دين حق، دست از جان شست و سراي باقي را بر ماندن و زندگي با ستمگران ترجيح داد.در اين دعا قدرت لايزال الهي را در چندجا بيان مي‌دارد و هم‌چنين علم خداوند به «ما كان و ما يكون و ما هو كائن و خائنة الاعين وما تخفي الصدور» و مراتب نعمت‌هاي‌الهي؛ نعمت‌هاي ظاهري كه انسان از آن استفاده مي‌كند و نعمت‌هايي كه در قالب اين‌بدن، خداوند ارزاني داشته، از چشم و گوش و حتي چين‌هاي روي پيشاني كه خداوند از روي حكمت به بشر داده و جمال و زيبايي كه خدا به بشر داده و احسان و انعامي كه كرده است.هم‌چنين الطاف خداوندي درباره چند تن از پيامبران بزرگوارش را همچون حضرت يوسف (ع) و حضرت يونس (ع) و حضرت ايّوب (ع) و حضرت زكريّا (ع) و حضرت ابراهيم (ع) و آن لطفي كه به بني‌اسرائيل مرحمت نموده و آنان را از فرعونيان نجات بخشيده، ياد مي‌كند.در اين دعا مراحل ثناي الهي و حمد و ستايش او را به طور وافر مي‌يابيم. اين دعا هم درس دعاكردن را به ما مي‌دهد و هم اين‌كه ما بايد دنبال چه جرياني باشيم و از چه چيزهايي متنفر باشيم و دوري كنيم، به علاوه آن‌كه در چند جاي دعا، دعاي مقبوله حضرت حق كه همان صلوات بر پيامبر و خاندان او بوده، تكرار مي‌شود و هم‌چنين مقام وشأن نبي‌اكرم را گوشزد مي‌كند كه دعاي همراه با صلوات بر پيامبر، حتماً به اجابت خواهد رسيد. اميدوارم خداي متعال در همه امور و همچنين در دعاكردن ما را پيرو اهل‌بيت (ع) قرار دهد.